



مجلس شورای اسلامی ایران

سلام کارگر

شماره ۴۵
۱۹۸۵
in Hannover
شماره ۴۵
شماره ۴۵
شماره ۴۵

شماره ۴۵
شماره ۴۵
شماره ۴۵

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه دوم خرداد ۱۳۶۸

انتخاب خامنه‌ای انتخاب بحران

چند ساعت بعد از مرگ خمینی مجلس خبرگساران فقها، خامنه‌ای را بعنوان رهبر حکومت اسلامی و "ولی فقیه" انتخاب کرد. آقایان در بوق و کورسها دمیدند که سرعت انتخاب رهبر "نشان دهنده قدرت آنهاست". اما بیچاره‌ها خود شیزز برگشته خودمسی - خندند و میدادند که این شتاب بحران است که "توله" تحیفی ما شدخا منهای را بجای سک کله قلچما قسی مثل خمینی می نشانند.

شدت بحران بجدی است که حضرات فرصت آنرا نیافتنند که ابتدا تغییرات قانون اساسی را از مجاری قانونی خود بتصویب رسانند و سپس به اجرا گذارند.

قانون اساسی و شروط آن در باره رهبری نظام از جمله شرط مرجعیت تقلید برای رهبری - را قبل از فرارندوم نقض کرده و مجا له کرده اند؛ یعنی در حقیقت انقلاب نمودند و اندوا این آن گفته درخشان ما رگس را بیاد می آورند که در شرایط بحران، ضد انقلاب نیز خود را انقلاب است چرا که دیگر بشیوه قانونی عمل نمی کنند و هر قانونی را برای حفظ و بقای خود زیر پا میگذارد. آنها که متوجه اقدام خود هستند برای لاپوشانی آن وعادی جلوه دادن وضع نامهای از خمینی ما در می کشند که از خطاب سه در صفحه ۳

روزهای حساس بعد از مرگ خمینی

رسمی او و متعلق شدن قانون اساسی فقها شده است. اینکه میگوئیم "برکناری رسمی منتظری" بمعنسی آنست که این ماجرا هنوز به سرانجام قطعی خود نرسیده است. اگرچه منتظری دیگر امکانات فعالیت گذشته را ندارد اما کاملاً در صدد بودنتا با ادا مہ مبارزه با او هرگونه تائیس و امکان سر بلند کردنش را هر که هنوز وجود دارد بگیرند. بهمین دلیل تا مه سرگشته‌ها احمد خمینی به او بعنوان زمینه سازی برای چنین امری منتشر شد. در جریان حذف منتظری و شدت گرفتن تناقضات بین وظایف رئیس جمهور و نخست وزیر، که بنوعی اشکالی اختلافات بیسن جناحهای حکومتی است، ساختار حکومتی فقها زیر سوال رفته و نیازمند تجدید سازمان شد. چرا که بدون منتظری دیگر "ولایت فقیه" کسی از مراجع تقلید را نمی یافت که "تاج" را آنطور که فقها حاکم میخواستند بر سر گذارند. لذا قانون اساسی با بدینجوی تغییر میکرد که شرط "رهبری" شامل حال برخی آخوندهای درجه در صفحه ۲

با لایحه مردم مستمشیده ایران خبری را که مدتها منظرش بودند شنیدند. مردی که مظهرشما مسی سیاهیهای حاکم بر کشور بود بگور رفت و با مرگ خود چه میداد که در میان مردم رنج دیده و همه آزا دیخواهان ایران تقویت نکرد. چرا که نقش کلیدی او بعنوان "رهبر" در رژیم بحرانی فقها بی گفتگوروشن بود. در این رژیم که دادها در تناقضات و درگیریها دست و پنا میزند، نقش او با هیچ مکاشم دیگری قابل قیاس نبود. اما بویژه مرگ خمینی در واقع و احسوال معینی که حکومت در آن بسر میبرد جای تا مل دارد. رژیم فقها از ابتدا با مسئله درگیریهای درونی روبرو بوده و هر بار با تحمل مدمات و سختی فراوان از شند پنجهها گذر کرده است. در زمان کنونی و همزمان با مرگ خمینی این رژیم با یکی از شدیدترین و مهمترین این نوع درگیریها مواجه بوده است. این درگیری در بالاترین نقطه دستگام حکومتی که علیسه منتظری سازمان داده شد، تاکنون منجر به کناره رزیدن

اطلاعیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برداشت از روزگام خمینی

در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه
کمیته مرکزی

رژیم فرخنده
قتل عام دیگری فر زمان است
در صفحه ۳

اعتیاد در آلمان
در صفحه ۹

ادبیات مترقی در سوئد
و معرفی یک نویسنده
در صفحه ۱۰

حمله فاشیستها
به خوا بگانه پناهندگان
در صفحه ۸

انتخابات لهستان
در صفحه ۷

خود افسا گری فقها
در حاشیه نامه احمد خمینی
به منتظری

چندی پیش مهدی کروبی، نا شب رئیس مجلس رژیم اعلام نمود که در راه بطنه با علل برکناری منتظری "جزوه ای بسیار مستدل، منطقی، مدلل، مستند به اسناد و مدارک لازم به قلم حاج احمد آقا نوشته شده که منتشر میگردد". چند روز پس از اعلام این خبر جزوه ای در صوبای زده صفحه توسط احمد خمینی منتشر گردید و روزنامه های رژیم نیز به چاپ آن مبادرت کردند. این کتاب بشکل نامه ای خطاب به منتظری و در اصل برای افشای وی نوشته شده ولی در حقیقت چیزی نیست جز خود افسا گری رژیم.

- تقویت نظامی در راه برنامهای دولت
- اعدام، قصاص و تعزیر همچنان ادامه دارد در صفحه ۴
- بیگانه با مفهوم "بازی" در صفحه ۵

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!



اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

به مناسبت

هرگ خمینی

کارگران و زحمتکشان ایران! رفقای عضو و هوادار سازمان! نیروها و فعالین انقلابی!

خبر مرگ خمینی را که یکایک شما سالها در انتظار آن بودید، به شما شاد باش می‌گوئیم! این سرت بخش ترین خبری است که در طول دهسال اخیر به مردم ایران داده شده است! این سرت بخش ترین خبر در دهسال اخیر است، زیرا خمینی، یک انقلاب بی نظیر توده ای را که با امیدهای بزرگ، رنجهای عظیم و ده ها هزار شهید به سرنگون رژیم وابسته سلطنتی منجر شده بود، به سیاهه کشاند و به اهداف آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم خیانت کرد! زین خمینی خشن ترین دستگاه اختناق و سرکوب را بر مردم انقلابی مستولی کرد؛ زیرا خمینی دستگاه استعمار و جیاول مردم محروم و زحمتکش را بازسازی کرد، نظام برنگی برای سرمایه و سرمایه داران را احیا کرد؛ فاصله طبقاتی را افزایش داد؛ خمینی با پافشاری دیوانه وار بر تداوم بیپایه جنگ ارتجاعی ۸ ساله، به هر گونه خواست و صالح و نیازهای مردم بی اعتنائی کرد؛ با حفظ نظام سرمایه داری و اصرار بر جنگ، فقر و فاقه و بیگاری، آوارگی و اعتیاد و فحشا را در سراسر جامعه گسترش داد، کشور را به خاکستر تبدیل کرد، مردم را به خاک سیاه نشاند، ثروتهای انسانی و مادی و فرهنگی کشور را که میبایست صرف رفاه و تامین زندگی مردم کارگر و زحمتکش و صرف ترقی و پیشرفت کشور میشد، بر باد داد و ایران را قرنیا به قهقرا برد. خمینی نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان را از هر گونه حقوق انسانی محروم کرد و ظالمانه ترین تبعیضات را به خشن ترین شکلی در باره آنان به اجرا گذاشت. خمینی ستم ملی بر خلقهای ایران را به بیرحمانه ترین شکلی تثبیت کرد و خلقهای کرد، ترکمن و عرب ساکن ایران را به خاک و خون کشاند. خمینی جوانان ایران را که سرمایه های آینده کشورند، نسبی قربانی جنگ احمقانه و ارتجاعیاش کرد و نیم لیگر را از هر گونه تامین آینده و چشم انداز امید بخش محروم ساخت. خمینی بزرگترین جلاد محرم، و بیرحم ترین کشتار کننده مردم ایران بود که در دهساله حکومت شوم و ضحیی خود، چندین برابر تمام نیران سلطنت شاهان آلمکش قاجار و پهلوی از مردم ستم کشیده ایران را از دم تیغ گذراند. خمینی تنها گروستانها را آباد کرد؛ زندانها را گسترش داد، شکجه فرزندان آزاده و رزمنه خلق را رسمیت، تنوع و گسترش داد؛ صدها هزار نفر را در بند کرد، دهها هزار نفر را در زیر شکنجههای سمانه و در میانهای تیر و در سلول زندانها به شهادت رساند؛ خمینی با خشونت و وحشیت تمام شخصاً فرمان قتل عام هزاران زندانی سیاسی را در زندان های ایران صادر کرد و با این حیوانی ترین اقدام بی سابقه در تاریخ، نه تنها خشم و انزجار مردم ایران، بلکه مردم سراسر جهان را به اوج خود رساند.

خمینی بزرگترین و بیرحم ترین دشمن مردم ایران بود و به همین دلیل، مرگ او سرت بخش ترین خبر دهساله اخیر برای مردم ایران است.

مرگ خمینی به خودی خود بمعنی پایان کار رژیم نیست که توسط او پایه گذاری و تا کون رهبری شده است. اما فروپاشی این رژیم لوزان و تکه تکه، امریست که در آن جای تردید نیست. خمینی شیرازه رژیم جمهوری اسلامی و تنها نقطه وحدت جناحهای متخاصم برونی آن بود. با مرگ خمینی، این شیرازه از هم پاشیده و این نقطه وحدت از میان رفته است. مرگ خمینی در شرایطی اتفاق افتاده است که رژیم جمهوری اسلامی با عمیقترین بحران اقتصادی و سیاسی تمام طول حیات خود دست به گریبان است، و هیچ فرد ذی نفوذی که بتواند بر تخصصات و رقابتهای حاد جناحهای رژیم فائق آید وجود ندارد. سران رژیم در عین حال که با مرگ خمینی قدم در شدیدترین و بیسابقه ترین مرحله از رقابتهای کشاکش و خصومتها بین خود میگذارند، در لحظه حاضر بمنظور پیشگیری از انفجار یک خیزش توده ای، از یکطرف بر سر حفظ یک اتحاد صوری و آتش بی ظاهری با هم کار می‌آیند و از طرف دیگر از منتهای قیل با پیش بینی مرگ خمینی، نیروهای مسلح، یعنی سپاه، ارتش، کمیتهها، بسیج و گروههای ضربت را در سرتاسر کشور برای سرکوب قاطعانه و برق آسای هر حرکت منفرد و جدا از حرکات توده ای مردم و به خاک و خون کشاندن آن برای زهر چشم

روزهای حساس بعد از مرگ خمینی

چندم که قدرتمندان سیاسی مملکت هستند بیرونشود، از طرف دیگر برای بیرون آمدن از بحران عمیقی که سراپای جامعه را فرا گرفته و مقابله با ششصدت فلاکت که به بالاترین حد خود رسیده، حکومت نیاز به یکپارچه کردن اراده در تصمیم گیری و اجراء زبیین بردن فلج کنونی دستگاه دولت، بیش از هر زمان دیگر دارد، یکی کردن وظائف رئیس جمهور و نخست وزیر و حذف دومی در این جهت است. که هدف کنترل کردن جناح با صلاح شندر و راه هم در بین خود دارد. مجموعه این موانع و مشکلات چشم انداز رژیم حاصل آتیست، که فقدان خمینی را در این مقطع برای حکومتگران چون یک فاجعه می نما یاند.

نبوده خمینی در شرایط کنونی با عسکرت شکنندگی هر چه بیشتر حکومت میشود اما این معادل ساقط شدن خود بخود آن نیست. بلکه با پیشروی فعل و انفعالات درونی حکومت و نتوانی آنها در پاسخ به وضعیت فلاکت با زندگی مردم، شرائط بنحوی - سابقه ای برای تا شیر گذاری از جانب نیروهای اپوزیسیون مسا عدم میشود. بهمین دلیل است که با دیدن پیش از هر زمان با احساسیت به مسائل برخورد کرد و با فراهم آوردن مقدمات و آمادگی لازم توان تا شیر گذاری بر سر پروردادها را یافت. اگر نیروهای انقلابی و دمکرات و همه آشنائی که از موضع دمکراسی علیه حکومت فقها مبارزه میکنند حساسیت اوضاع را در دنیا فته و مهمتر از آن در صدهمکاری و همراهی برای تا شیر گذاری را قاطع در سرتوشت جامعه برنیا بیندیا فقها موفق به عبور از این تندبوی خظرتناک میشوند و تا آنکه آلترنا تيوهای سلطنتی و یا مجاهدین که هریک بنوعی تکرار و تداوم تمامی مصائب و رنجهای کنونی مردم میباشند را باعث میشوند، در صحنه فعال خواهند بود.

علاوه بر وظیفه همکاری و همراهی و تلاش در راه بوجود آوردن اردن قطبی که سازمانگرو متحد کننده مبارزات توده ها شود و در خارج از کشور نیز چنین وظیفه ای به طور عاجل پیش روی ماست، تلاشهای معیبن و هماهنگ در جهت آماده سازی زمینه مبارزه علیه اقدامات رژیم مطرح هستند. بیش از گذشته با بسند نسبت به وقایع درون کشور حساس بود و با انواع

و قسمکاتالهای ارضیاطی همه نوع اخبار را بسند دست آورده و در اختیار سازمان قرار دهیم. باتوهماتي که این روزها دستگاههای ارتباط جمعی غربی در صدها بیجا دان هستند مبنی بر آنکه با مردن خمینی امکان دمکراتیزه شدن رژیم اسلامی وجود دارد، در هر کجا مبارزه کنیم. در تماس با نیروها، محافل، رسانها و مردم کشورهای میزبان از طریق افشای ماهیت این رژیم و تحلیل وضعیت آن که طرفیست رفرم سیاسی را از آن سلب میکند افکار عمومی را در پشتیبانی از مبارزات مردم کشور بسیج کنیم. خصوما

با پیدا حساسیت بیشتری نسبت به وضع باقیمانده زندانیان سیاسی برخورد کرده و آمادگی برای جلوگیری از قتل عام آنها را ایجاد کرد. چرا که رژیم فقها هر بار که در موقعیت ضعف و خطر قرار میگیرد، بیورش به زندانیان و کشتار آنان را انجام میدهد. شده ایم خواست قلبی ما را در ابر بر تحریم رژیم اسلامی و اعمال فشار همه جانبه از طرف دولت های مختلف به آن نیز در مقطع کنونی مطرح بوده و به مناسبت های مختلف می باید عنوان شود.

سرنگون باد

جمهوری اسلامی!

انتخاب خامنه‌ای انتخاب بحران

مشکینی، رئیس خبرگان، گفته است که برای رهبری، شرط مرجعیت تقلید لازم نیست و این نام را رفسنجانی با آب و تاب تمام در اولین نماز جمعه بعد از زمرگ خمینی خواند.

اگر بحران با همه شدت خود به آخوندهای حاکم نشا آورد تا از کبینه نپی خود خا منه‌ای راببرون آورد و بر سرش تاج گذارند ما پرسیدنی است که آیا این انتخاب و تا جگذا ری کا رکشای بحران هست؟ خا منه‌ای کسی است که در نقش یکی از سخنگویان اصلی خط با سازی جناح حاکم پیش از دیگران مورد حمله جناح تندرو حکومت بوده است و حتی یکبار در جریان گسترش اختیارات دولت از جانب خمینی بصورت نامحدود کردن اختیارات حکومتی، شغله نا جورسا زکردوا دعا نمود که همه احکام با بسد درجه را رجب احکام اسلام باشد، یعنی احکام دفاع از مالکیت خصوصی، با این دلیل مورد سرزنش و عتاب آشکار خمینی قرار گرفت و خمینی او را متهم کرد که حرفش را نفهمیده و تحریف کرده است و خا منه‌ای مجبور به توبه شد. این چنین مردی که تا چند ماه پیش رفسنجانی را بعنوان شایسته‌ترین و قویترین فرد در دستگاه حکومتی معرفی میکرد و او را برای جانشینی فرمانده کل قوا پیشنهاد کرده و مردی که در میان خیل آخوندهای "کوتوله" همطرازش هیچ مزیت و برتری ندارد، آیا صرفاً با دریافت یک لقب "آیت الله" که از روزها انتخابش به او عطا شده قادر است برای این گله‌گرگها حکم براند و در عین حال جلوی دعاوی مراجع تقلید بزرگ شیعه و منتظری که در مقابل خود خمینی هم حرفها داشتند را بگیرد تا خواب آرام او و امثال رفسنجانیها را آشفته نکنند؟ آیا او میتواند جلوی دست و دهان خط اما میهای دوخته که مخالف خط با سازی او و رفسنجانی هستند را بگیرد؟ یعنی کسانی که حتی حاضر نطقهای آنچنانی در عدم موافقت با حذف پست نخست‌وزیری و کاهش قدرت مجلس و زدیدا د قدرت رئیس جمهوری، یعنی کسی که شش قدرت جناح آنها و پیشروی و تحکیم راه جناح رقیب میکنند آیا او قادر است در میان جناحها و گروهها دستجات و طبقات ما نورهای خمینی را بدهد و بسا فقط کاریکا توری است از "ولایت فقیه" و "ولفکسی در پوست شیر!"

نما یبنده ا مولابا تجدید نظر در قانون اساسی مخالفتند وجود این تعداد مخالف باعث گشت که طرح دویزبیتی رفراندم و قانون اساسی در هفته گذشته رای لازم را نیاورد. هاشمی رفسنجانی بعنوان کسی که بیش از همه بیستما به رئیس جمهور آینده را این طرح سود خواهد برد، سعی فراوان نمود تا همزمان با رای گیری برای رئیس جمهور، این طرح را نیز با سطلاح به تصویب مجلس و مردم برساند. ولی با آنچه در مجلس گذشت، در آینده شاهد درگیریهای بیشتری در این زمینه با ید بود.

گرفتن از توده های مردم آماده کرده اند. اما نه سازش ظاهری و صلحتی این گرگان شنه به خون هم میتواند نیروی بیاید و نه فضای رعب و وحشتی که با اعلام آمادگی برای سرکوب می‌خواهند بر مردم مستولی کنند. خمینی در زمان حیات خود و با اقتدار منحصر بفرد خود نیکر قادر به حفظ وحدت بین جناحها نبود و اختلافات و شکاف تا راس هرم ولایت فقیه و تا خلع و طرد منتظری به پیش رفته بود. تردیدی نمیتوان داشت که با مرگ خمینی این تضادها و روند اروپایشی رژیم شدت خواهد گرفت. این روند هر چند که زیر ماسک اتحاد و سازش ظاهری و صلحتی و ایجاد فضای رعب و سرکوب برای مدتی پوشانده شود، چند ماهی نخواهد گذشت که با تمام ابعاد خود را ظاهر خواهد کرد و غیر قابل مهار خواهد بود. درست در آن زمان که این گرگان گرسنه به جان هم افتند و - آن روز شاید دور نباشد - فضای تفرقه توده ای به ساعتترین موقعیت برای نبرد رو در رو و خیزش برای پایان دادن به حیات رو به زوال این رژیم جهانی تبدیل خواهد شد. با مرگ خمینی، دوران بسیج و آمادگی نیروهای انقلابی و توده‌های مردم جهت یک نبرد قاطع و نهائی با دشمن حاکم، به مرحله اصلی و سرنوشت سازی رسیده است. تمام نیروهای انقلابی و تمامی اقشار انقلابی و دمکرات مردم بویژه کارگران و زحمتکشان، کمونیستها و سازمانهای انقلابی چپ باید برای ایفای نقش حیاتی خود در این مرحله سرنوشت ساز، حداکثر تدارک و آمادگی را فراهم آورند. سازمانها و نیروهای انقلابی و فعالین سیاسی باید ضمن بالاترین درجه از هشیاری نسبت به تدارکات سرکوبگرانه رژیم زخم خورده در مقطع فعلی، با نهایت دقت تمام حمایت سیاسی در کشور و در پیرامون خود را زیر نظر داشته، آماده مداخله بموقع و موثر در حوادث و حرکات باشند؛ خود را از توده ها جدا نکنند و آماده سازماندهی حرکات توده ای باشند. تنها با تکیه بر نیروی مقاومت تونطای است که میتوان نیروی سرکوب رژیم را به عقب راند به تنافع انناخت و بحران سیاسی رژیم را به نا توانی حکومت در کنترل اوضاع و اداره کشور سوق داد. این حقیقت را تجربه مثبت انقلاب ۵۷، و تجربه منفی و فاجعه بار ۳۰ خرداد ۶۰ به اثبات رسانده است.

زخم خورندگی رژیم هار از مرگ خمینی و وحشت از خیزش مردم و نیاز حیاتی اش به ایجاد وحشت و خفقان در سراسر کشور، جان باقیمانده زندانیان سیاسی را که شامل قتل عام اخیر در زندان های ایران نشدند، و همچنین امنیت و زندگی آزاد شنگان از زندانهای سیاسی را بطور جدی در معرض خطر قرار میدهد. در این رابطه، دفاع از جان زندانیان سیاسی و امنیت و زندگی زندانیان آزاد شده، وظیفه بسیار حساس و خطیر تمامی تودهها، احزاب، سازمانها و نیروهای سیاسی است؛ دفاعی که باید از یکسو از طریق تکیه بر قدرت مقاومت تونطای در داخل، و تلاش گسترده و هشدار دهنده در عرصه بین المللی صورت گیرد.

اوضاع بحرانی و حساس کشور و کشایش مرحله آمادگی برای نبرد نهائی با رژیم بی ثبات جمهوری اسلامی، در عین حال بیش از هر زمان دیگر ضرورت همکاری و اتحاد عمل میان احزاب، سازمانها و نیروهای انقلابی و دمکرات را ظیم و در جهت ضروی ساختن هر چه بیشتر احزاب و نیروهای مترجع و ضد انقلابی چون سلطنت طلبان و مجاهدین که برنامه خود را بر پائی یک استبداد سیاه دیگر قرار داده اند اجباب میکند. کوتاهی در نردک این ضرورت حیاتی، بجز کمک ناخواسته به رژیم برای انسجام دادن به خود، ویا کمک ناخواسته به بهره برداری دیگر رقبای مترجع و ضد مردمی رژیم از آشفتگی اوضاع، نتیجه دیگری نخواهد داشت.

رفقای عضو و هوادار سازمان در سراسر کشور موظفند با هشیاری تمام گوش بزرنگ حوادث باشند، هر اقدام و حرکتی را با ارزیابی کاملا سنجیده و رعایت موازین امنیتی و در پیوند مستقیم با حرکات توده ای سازمان نهند؛ حداکثر آمادگی را برای مداخله در حوادث به نفع حرکت در آمدن توده ها بوجود آورند. حوادث و رویدادهای کشور و اتفاقات محیط پیرامونی خود را از تهیدات سرکوبگرانه رژیم گرفته تا روحیات و نظرات کارگران و زحمتکشان و از حوادث ریز تا حوادث درشت را سربما و با دقت تمام به رهبری سازمان گزارش کنند؛ و بطور منظم و روزانه به رانمایی صنای کارگر کوتی نامه و در جریان سیاستها، تاکتیکیها، رهنمودها و پیامهای مرکزی سازمان قرار گیرند.

سرنگون یاد جمهوری اسلامی - بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۲ خرداد ۱۳۶۸

حذف پست نخست وزیری

هما نظور که پیش بینی میشد شورای بازنگری قانون اساسی به این نتیجه رسید که "بمنظور ایجاد تمرکز در مدیریت قوه مجریه" پست نخست وزیری را حذف را اختیارا ت او را به رئیس جمهور وا گذار کند. این مطلب را مشکینی، رئیس هیات بازنگری در نماز جمعه تم مطرح نمود. او همچنین گفت که تعدادی از اعضا هیئت با این نظر مخالفند ولی اکثریت به آن رای مثبت داده است.

لازم به ذکر است که در مجلس رژیم بیش از صد

برقرار باد جمهوری
دمکراتیک خلق!

تقویت نظامی

در اسبیرنا مه های دولت

● دولت جمهوری اسلامی با اعلام برنا مه پنجاهه خویش، مطرح نمود که تقویت قوای نظامی برای رژیم از اولویت ویژه ای برخوردار است. وزیر برنا مه و بودجه رژیم در این مورد خیلی ساده به خبرنگاران گفت که برای آنان، این مسئله که "منابع را صرفا به سمت اهداف اقتصادی هدایت کنیم، در ۵ سال آینده مقدور نیست و با یستی که شان دفاعی کشور تقویت شود". هاشمی رفسنجانی نیز در سال روز آزادی خرمشهر بر این مسئله تا کید نمود. در تهران طوسی نظا هراتی، به همین خاطر ا هبما بیان ضمن قطعنامه ای از جمله "تقویت بنیه دفاعی را خوا ستار گشتند". در مجلس رژیم هم تعدادی از نمایندگان برای اسرار ادا شدند.

با این زمینه ما زیبا بود که خامنه ای قرارداد خرید اسلحه از چین و کره شمالی را امضاء نمود و در داخل کشور اسلحه و مهمات سازی روز به روز بیشتر گسترش می یابد تا جمهوری اسلامی بیش از پیش خود را به انواع سلاح مجهز کند. امری که هیچ پشتوانه ای جز فقر، بدبختی، گران، مرگ و میر، عدم بهداشت، درمان و... ندارد. امری که بهاء و تانک را نش را رژیم فقیر از جیب خلق می بخشد.

ا اعدام، قصاص و تعزیر

همچنان ادا مه دارد

● موج جدیدی از اعدامها که طی چند ماه گذشته به بهانه میا رزه با مواد مخدر شروع گشته، همچنان ادا مه دارد. طی چند هفته اخیر نیز بیش از صد نفر در این رابطه ادا شده اند. طبق آمار رژیم تا کنون اعدامها را در این زمینه به مرز ۷۰۰ نفر رسیده است.

خود فشا گری فقها

برکناری منتظری که در چهار چوب بحرانهای حکومتی رژیم مطرح است، از مهمترین وقایع کشور طی چند ساله اخیر می باشد. اسناد چاپ شده، هر چند شکل ناقص دارند ولی از بسیاری از جنایات رژیم پرده بر میدارند و در این راستا قابل تعمقند. در ابتدای نوشته ها، نامه ای از خمینی خطاب به مجلسیان و دیگر مسئولین مملکتی چاپ گردیده که طی آن خمینی اعلام میدارد "با دلی پر خون حاصل عمر ما برای مصلحت نظام اسلام کنار گذا شتم".

نامه احمد خمینی مبتنی است بر نقل قولهای از مهدی هاشمی در باره جوئیهای وی و شخص منتظری در نامه های که برای خمینی ارسال داشته است. در قسمت های از این نامه از جمله آمده است: در نامه مبتا ریخ ۶۵/۷/۱۷ از منتظری خطاب به خمینی نقل است که "میگویند اگر این صحبتها نبود، معلوم نبود چه میشد و عکس العمل مردم در برابر کجی ها و بی عدالتی ها که می بینند چه بود. آیا میدانید در بعضی از زندانها حتی از نور روز هم برای زندانی دریغ داشتند آن هم نه یک روز و دو روز بلکه ما هها، قطعا به حضرت عالی خواهند گفت اینها

اعدامهای چند روز گذشته عبارتند از: دوم خرداد ۱۰ نفر در همدان و کرمان، شش خرداد دوازده نفر در تبریز، در ماه عام، هفت خرداد ۲۳۵ نفر از جمله چهار زن در تهران و تعدادی دیگر در شهرهای شیراز، مرو، دشت، کازرون و فسا. ۸ خرداد ۲۴۵ نفر در شهرهای اصفهان، رشت، اراک و... در همین زمان ۲۰ نفر دیگر نیز از قاچاقچیان در درگیری کشته شده اند. در طی چند روز اخیر همچنین در بجنورد شخصی را به جرم "تجاوز به عنف" ابتدا ۷۴ ضربات شلاق و سپس اعدام کردند. در زندان قصر نیز ۵ تن دیگر را در اجرای حکم قصاص به آرا و بختند. در ماه مهر هم یک جوان به جرم "زنای محصنه" حلق آویز گردید. و در ورزشگاه تختی نیشا بورزی را به جرم "فحشا" سنگسار نمودند.

اعدامها در این زمینه همچنان ادا مه دارد و طبیعی است که با درماندگی رژیم روز به روز با ابعاد وسیعتری یا به ارتجاع فقهاتی جز اعدام، هیچ "چاره اساسی" دیگری برای از بین بردن اعتیاد، فحشا و فقر نمی شناسد.

تلاش رژیم

برای دست یابی به سلاح شیمیایی

● سخنگوی وزارت خارجه، سوئیس اعلام کرد که دولت سوئیس از شرکت مفا طعه کار مستقر در زوریخ خوا ستها است که از طرح تولید گاز سمی در ایران خارج شود. او گفت "این به نفع سوئیس نیست که با داشته یا نداشته در گسترش سلاحهای شیمیایی شرکت نماید". آقای Weber مدیر شرکت گفت که بریز با شرکتی بنا من رژیم تهران قرار دادی منعقد نموده است که بموجب آن طرحهای یک کارخانه تولید کننده "پنتا سولفید فسفور" تهیه نماید. این ماده برای تولید مواد دحشره کش و آفات نباتی نیز میسرود.

نمیدی از ظرفیت کارخانه ها

را کدا ست

● خبازان رئیس کل مرکز توسعه صادرات کشور در ماهی با مطبوعات رژیم اعلام نمود که نمیدی از ظرفیت کارخانه های کشور به علت کمبود ارزرا کدا ست. او گفت که طی سال گذشته از محل صادرات غیر نفتی، رژیم موفق شده است ۹۶ میلیون دلار ارز وارد کشور کند و این به نسبت سال گذشته کاهش نشان میدهد. او گفت که به علت فقدان ارز مورد احتیاج "بعضی مثال تولیدیخچال و فریزر خانگی از یک میلیون و دویست هزار دستگاه در سال بد ۳۶۵ هزار رسیده است، یعنی ۷۰ درصد ظرفیت این کارخانه ها خالی است". او این مقدار ظرفیت خالی را در نرخ لایحون ۵۰، سیمان پرتلند ۳۱، پودر رختشویی و روغن نباتی ۲۵ و کوکوس ۶۸ درصد اعلام داشت.

از زبان آمار

کلا بیست و یک میلیون وسه هزار و ۵۴۵ نفر به جمعیت کشور افزوده شده است. در طول این مدت یک میلیون و نهصد و نه هزار و چهار نفر به علل مختلف مرده اند. در این فاصله همچنین سه میلیون و ۵۴۱۰۲۶ مورد ازدواج صورت گرفته و ۳۱۲۶۹۰ زوج ایرانی جدا شده اند.

- مصرف دارو از ۲۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۰۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ افزایش داشته است. طبق پیش بینی های رژیم این مقدار طی ده سال آینده به ۳۵۰ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. - طبق اقرار رژیم برای ۵۰ میلیون ایرانی تنها یک مرکز پزشکی وجود دارد که برای جراحی با یادتا سه سال در تویت بود و قیمت یک عمل جراحی چشم بالغ بر ۷۰ هزار تومان است.

دروغ است و فلانی ساده اندیش است... آیا می دانید در جمهوری اسلامی برخلاف آنچه در فقه خوانده ام نه جان مسلمان محترم است نه مال او".

منتظری با اشاره به فاجعه مراسم حج سال ۶۶، در نامه متذکر میگردد که "آنان در سباه اینکا غلط را کرده اند و در وقت حج آبرویمان را برده اند...". این نامه منتظری که چهار روز پس از دستگیری مهدی هاشمی نوشته شده، در اصل اعتراضی نیز به این عمل را در خود دارد.

احمد خمینی در نامه خویش به نامه ای دیگر از منتظری اشاره میکند که برای امام نوشته شده و در قسمتی از آن آمده است "شنیده شده فرموده اید فلانی مرا شاه و اطلاعات مرا شاه و اک شاه فرض کرده است. البته حضرت عالی را شاه فرض نمی کنم ولی جنایات اطلاعات شما و زندانیهای شما روی شاه و سوا واک را سفید کرده است. من این جمله را با اطلاع دقیق میگویم".

احمد خمینی در ارتباط با نامه ای دیگر می نویسد: "بحث من این است که چرا همیشه کسانی که از منافقین و لیسبرالها دفاع میکنند مورد دفاع شما هستند ولی کسانی که از اولیا انقلاب و امام بوده و

هستند چنانکه بکنارند؟ در تاریخ ۶۷/۷/۹ نامه ای برای آقای نخست وزیر نوشته شد توسط افراد با نقای منظران - که آنها را خوب می شناسید - در سطح کشور خارج منتشر شد. این نامه پراست از با بدو نبیا یدها، حال با چه توانی...؟ در این نامه آورده اید: ۱۰۰۰ روزگتورهای تندهم به اشتباه خود اوقف شده اند با ید مسئولین تنگ نظرو سختگرویی اعتنا به مردم اما ما تسویض شوند... اطلاعات و سپاه، کمیته و دستا نبیا و باز- جوها و مثالهم در روش خود با ید تبید نظر کنند و...

احمد خمینی ادا مه میدهد که "... اگر تنیدی نامه متا شران ساخته است خود را جای امام بگذارید و آنوقت کمی فکر کنید که خدا را خوش می آید تا شما برای دلخوشی چند لیبیرال و منافق تبیر مردی زنده دل والهی که همه عمرش را صرفا اعلام کلمه الله کرده است آدم کش و مخصوصا زنان بچه دار کن معرفی کرده باشد". در پایان این نامه احمد خمینی از منتظری میخواهد که "در مسائل مستقل با ید و هر چه را به شما میگویند قبول نکنید چه رسد به اینکه بنویسید". و بدینسان رژیم آخوندها مهرتای تبیدی میزنند بر پرورنده جنایات خویش.

بیگانه با مفهوم "بازی"

بوسه های مرگ بلک ها بش بیکی دیگر، همرا؛ ه با ناله ط
وخن خس سرگردان در قفسی سینه ای استخوانی اش،
سوگ آوای مرثیه ای هر آنچه که زیباست، مینمود
نگاه ها و معصومیت موج درون شان آتش به میان
رگ ها و سینه ای آدمی میریخت و تلخ ترین حس ها را
زیر پوست میدواند.

"میدونی، ما چن سراغ ناله هستیم؛ گدیگی مون
خونه نشین بشه، بقیه با یه جور شو بکشن، تا زه پسا ی
"کوره جهنم" افا فک را ی هم نمیشه کرد، و الا خودم جور شو
میکشیدم، آخه کدوم سگ پدری پیدا میشه که بتونه خودش
جورزن و بچه شو بکشه! ما ایتکا رونکنه، ا ونم یسه
همجی وقتی که جیگر گوشه ش جلوی چشمش پر بریزنه"
فردای همان روز، غلام برای کار به کوره پزخانه
برده شد! مش اسمال، به تلخی رضایت داده بود، آن
روز غلام فقط ۱۰۰هه قالب، به حیاط کوره پزخانه
کشیده بود. لقمه نانی نیز از بقچه ی صبحانه اش و نیز
تکه ای از نان ها را به غلام داد، اما غلام شتهای
برای خوردن نشان نداده بود. از سرب صبح کسه
از خانه بیرون آمده بود، ضعف وجودش را پر کرده بود.
گاه آنقدر سرگیجه اش شدت میگرفت که تا راه رفتن
را از او میریخت. در طول راه چندین بار به دیوار تکیه
زد تا سرگیجه اش آرام بگیرد. مش اسمال چند بار رقص
کرد و او را بر کول خود بنشاند و بسوی کوره پزخانه
بکشد؛ اما غلام را نمی شنید. آنروز تا دم می غروب
مش اسمال چندین بار به غلام "سرزد" و غلام نیز هر بار
که پدر را میدید تلاش میکرد تا خود را سر حال نشان
دهد، اما مگر میشد!

غروب دلنگ و تیره ای کوره پزخانه، که هنوز
تا ریگی از پس سرخی آفتاب بر نیا مده بود، ضعف و
حسی غریب در وجود پدر در غلام ریخت. سرگیجه اش امانش
را بریده بود، چشمها دیگر سوی دیدن نداشته زانو ها
نیز تا بت تحمل پیکر رنجور و تنگیده اش را.

سرفه با سرگیجه در هم آمیخت و غشیا نی تلخ با
طعمی آشنا از گلویش بیرون جهید. لخته های بزرگ
خون بیرون جهیده از دهان و بینی به وحشتش انداخت
پدر را به کمک فریاد کرد تا صدا در حلقوم خشکیده اش
خشکید. خیره بر جی از قالب های خشت بر زمین زانو
نشانده. میخواست با ریکه های خون و بزاق آویزان
از کتاروی لب ها یاش را بگیرد، اما نمی توانست.
دستش را روی قالب ها ستون کرد تا بر خیزد اما بسسه
پهلوی بر روی قالب ها افتاد، ناله ای کوتاه در سینه ی
پدر درش پیچید. دیگر توان دورنگه داشتن پلک هایش
را از یکدیگر نداشت. از لای پلک ها شی که به هم
نزدیک تر میشدند، نگاه ی به دور و برش انداخت،
جزا یه های دودمانند که در اطرافش پرسه میزدند،
چیزی ندید. میخواست دوباره دستها یاش را بر قالبها
ستون کند و بریبا یستد، اما نتوانست. سرفه کنان
اما آرام، چهره درون مشت خونی و کف خرده های نان،
که بر روی قالب ها ریخته بود، فرو برد.

تا ریگی از پس سرخی آفتاب غروب بر آسمان
بوده که "مش اسمال" غلام را بر ناله گشت و آرام و خمیده
بسوی خانه رفت. با ریکه خون و بزاق دهان و بینی
غلام، بدنش را مش اسمال کشیده میشد.

"چا رهن دارم، ا که کا رنگنه یا کم کا رکنه، خرچمن
نمیره، میگشا بدت خودم به در عادت کنه، منم
بجگی ها که قالب کشی میکردم کم در دوشونه در دداشت
اما بهشون عادت کردم. روزای اولم که پای "کوره ی
جهنم" رفتم گرما اذیتم میکرد اما حالا "تیش کاری"
و آجر ریختن برای آجرکار دیگه ای شو کوره راحت تره
آدم عادت میکنه...".



مش اسمال از دردهای خودش میگفت که من مات
دستهای غلام شدم، بزرگی و پینه هایش ما تم کرده بود.
تا دیده لامغری سا عدویا زویش دستها یتر را آنگونه
بزرگی می نما یاند، ساعدی که چون چوب با ریک و
خشکیده از میان آستین کوتاه و گشا دبیرا هنی بایقه
و سرتین هائی چرکین ونخ نما، بیرون زده بود:
"مش اسمال، غلام نسا یدکا رکنه، با یدیه مدتی
استراحت کنه. تا یدم لازم بشه توی یه بیما رستان
بخوابه"

نگاه ملتصقان مش اسمال، فریاد دنیا زواجبار
بود. گاه به من یا جاشی دیگر خیره می ما ندرکا نیم
نگاه ی به غلام می انداخت و دستهای زبر و خشکیده
چون چوبش را به مهر، بر سرا ومی کشید. پش گونه ها
ولبها ییش بگونه ای بود که انگاری میخواست هد چیزی
بگوید اما صدا از حنجره اش بر نمی خاست. تکان و
جا بجاشی سیب گلوگا هس، که برگردن با ریک چو بکیده -
اش برجسته ترمی نمود، حکایت بغنی بود که به تلخی
می بلعید.

غلام، ما، نگاه دیگری گونه ای داشت، او دیگر
نمی توانست بش به رنج و بیگاری "قالب کشی" بدهد
اما یارای بیان آنرا هم نداشت، او هم گاه به من نگاه
به پدرش خیره میماند. نی نی چشمان بی فروغش و

یا زدهم خرداد، اول ژوشن، روزجهانی کودک نسام
گذاری شده است. به همین مناسبت، نوشته ی "بیگانه
با مفهوم بازی"، که گوشه ای از در دورنج کودکان
میباشد را نشان میدهد، بجای میرسانیم.



تکیده و رنگ پریده سرب پهلوی مردی که قامت
در دورنج می نمود، نسا ده بود، دستها یاش را بدور کمر
مرد حلقه کرده بود تا ستونی دیگر برای بریبا ماندنش
داشته باشد. نگاه و نی چشمهای بی فروغ و گسود
افتادش تا میت معصومیت و رنج را می ما ناست.
موهای سرش را از ته تراشیده بود، سری قناس و بزرگتر
از حد معمول، با جای زخم های فراوان و دوجوشگاه
بزرگ که جای بای عفونت های چرکین کچلی بسود.
گوشه های بزرگ و "بلیله" اش توی چشم میزد، اما نسه
به اندازه ی بزرگی سرش! سری که بر بلندی گردنی
با ریک و بیگری فرسوده و رنجور، او را چون جنینی
بزرگ شده، می نما یاند. پیشانی کوتاه و پر چروک،
چشمانی بی فروغ اما درشت و شگون و بینی ای کوچک
با خشکهای آب دماغ بر پره هایش، در کتار پوستی
خشکیده و آفتاب سوخته، تصویری غریبی از فرسودگی
و چیزی شبیه به پیری زودرس را بنمایش گذاشته بود.
با ورت نمی شنیده این جشی سر تا را در دورنج، این
نهال شکسته زیر بار بیگاری و فقر، روزانه بیش از
۳۰۰ بار، قالبهای هفت کیلویی از زمین بر کبیرد و
پس از حمل، در فاصله ای نزدیک به ۲۰۰ متر، آنها را
در فضائی با زوئالی بر زمین بگذارد!

نگاهش غریب ترا زهمی و بیگانه ییش بود، مر ا
به یادمحمد، بچه کوره ای "خاتون آباد" انداخت،
به یادنگاه محمد، که چشم در چشم معلمه اش "مرضیه" دوخته
بود:

"به کدام بازی علاقه داری و تا کنون چه اسباب بازیهای
داشتی؟"
و که چه نگاه! "زیر بار رشم خرد شدم".

سوالی نکردم تا پدر از رنج غلام بگوید... آری
غلام نیز بیگانه با مفهوم بازی و حتی مدرسه بود، اما
مفهوم مرگ را، چون بیگاری و رنج می شناخت، او با
چشمهای خودش دیده بود که "حسن" چگونه زیر چرخهای
بزرگ کامیونی که آجر حمل میکرد، له شد. بی شک آن
هنگام هنوز لاشه ی له شده ی حسن و چهره های بهست
زده ی "کوره ای" ها جلوی چشمش بود. طفلکی حسن هم
که ۹ سال بیشتر نداشت، چون کبوتری از زیر دست -
های بزرگ و سنگین کارفرما میریخت، که زیر سر
چرخهای کامیون له شد. "مش اسمال" سرفه ها و خلطهای
خونی غلام را به گردن مرگ دلخراش حسن می انداخت:
"غلام زاون روز زهره ترک شده و ترس به سینه اش ریخته"
اما کم در دور دکتف هایش را به خاطر "قالب کشی"
می دانست:

چین

● اختلافات بین رهبری حزب است که از نتایج این اختلافات هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. دولت‌های غربی که در مجموع عکس العمل شدیدی نشان داده و حتی تشبیهات اقتصادی از سوی آمریکا بر علیه چین معمول شده است، سال‌هاست برای دمکراسی سینه‌میز نشدند و با بهره‌برداری از وقایع خشونت‌بار چین کرتیلیفاتی وسیعی علیه

● پس از اعلام حکومت نظامی در یکن که متعاقب آن در ابتدا ارتش و نیروهای انتظامی دست به هیچگونه اقدامی بر علیه دانشجویان اعتراض‌کننده نزدند، دولت با اواخر تصمیم به یکا گرفتن ارتش برای آماده‌نظم‌عادی در پایتخت نمود. دخالت ارتش برای پایان دادن به اعتراضات دانشجویان به شکل بسیار خشن صورت گرفته و واحدهای نظامی

بروکسل

● در کنفرانس سران کشورهای عضو پیمان ناتو، جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهادی در مورد کاهش نیروهای آمریکا و شوروی در اروپا و مذاکره در مورد موثکفای بردگوتا ارائه نمود. بر طبق این پیشنهادات، در صورت پیشرفت مذاکره دربار کاهش نیروهای نظامی غیر هسته‌ای در اروپا، طرفیست می‌توانند به مذاکره برای کاهش محسوس صلاحیت‌های اتمی در این قاره پرداخته و تا آن زمان ناتو از اقدام به مدرنیزه کردن موثکفای با بردگوتاه خودداری خواهد نمود. با این پیشنهادات، بسته اختلافات بین آلمان فدرال و آمریکا در ناوقتاً خاتمه داده شده و تا مواضع تفادفی در زمین‌ها مذاکرات خلع سلاح خارج می‌شود، هنوز شوروی به پیشنهادات فوق پاسخ نداده است. از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار کوتاهی از آلمان فدرال یکبار دیگر به تشریح استراتژی غرب در قبال کشورهای سوسیالیستی اروپا پرداخته و اهداف سیاست کشورهای غربی را ایجاد اروپای آزاد که در آن "دمکراسی" با زارهای این کشورها را به هم وصل می‌کنند و به زبان دیگر حیا سرمایه‌داری با رژیم‌سیاسی دموکراتیک در شرق اروپا - دانست.

شوروی

● شورای اتحاد شوروی که در برگیرنده نمایندگان انتخاب شده در همه مناطق میباید در مسکو آغاز یکار نموده و ضمن انتخاب گورباچف بعنوان رئیس‌جمهور شوروی، نمایندگان را برای شورای عالی انتخاب نماید. این نمایندگان که به همراه نمایندگان منتخب شورای خلقهای اتحاد شوروی، پارلمان دائمی این کشور را ایجاد می‌کنند، میبایست بطور دائمی به کنترل کارکرد دولت و قانون گذاری بپردازند. در جریان انتخابات شورای عالی، بسیاری از مفاصحن را بیکال رقم‌بسنای سیاسی و اقتصادی در شوروی، انتخاب شدند، بطوری که بوریس یلتزین یکی از نمایندگان مکو و چهره محبوب مردم شوروی بزمجت توانست پس از کناره‌گیری یکی دیگر از نمایندگان انتخاب شود. گورباچف در سخنرانی خود پس از انتخاب به ریاست جمهوری شوروی گفت که این کشور، با بی‌بزدی به اصلاح قانون اساسی خود دست زده و فرمهای جاری را بر گشت‌ناپذیر کند. وی همچنین با اعلام بودجه نظامی این کشور به مبلغ حدود ۲۷۰ میلیارد دلار اعلام نمود که در سال آینده به مقدار ۱۴٪ زاین بودجه کم خواهد شد.



سوسیالیسم‌پیا کرده اند.

تحولات جاری در چین که با دخالت ارتش و سرکوب خونین جنبش دانشجویان وارد مرحله حساس و بسیار رتاعف‌آوری شده است، بخوبی نشان می‌دهد که اتحاد سیاست سرکوب دانشجویان که اساساً ضمن طرفداری از حزب و سوسیالیسم خواهان دمکراسی، مبارزه با فساد و کنترل توده‌ها بر بوروکراسی میباشند، نا بخشودنی بوده و از مواضع تاخیر در دمکراتیزه کردن حیات سیاسی جامعه این کشور می‌باشد.

مجهز به تانک و نفربرهای زرهی به مواضع خیابانی حمله کرده و شلیک نمودند. بر طبق گزارشات مختلف، تعداد تلفات زد و خوردهای خیابانی حداقل چند صد نفر می‌باشد. در جریان این زد و خوردها تعداد زیادی از تانکها و نفربرهای ارتش به آتش کشیده شده و شماری از سربازان نیز کشته یا زخمی شدند. همچنین برخی از اهالی پایتخت و از جمله کارگران، کارمندان و روشنفکران از دانشجویان حمایت نموده و این حمایت‌ها بصورت فعال و با شرکت در زد و خوردها همراه بوده است. اخبار مختلف حاکی از

اخبار کوتاه

- کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا - معروف به کنفرانس هلسینکی - در پاریس آغاز یکار نمود.
- کنفرانس سران کشورهای عرب در کارا زابلانگوا تشکیل شد. در این کنفرانس مصر بعنوان عضو با جمعیت عرب پذیرفته شده و شرکت‌کنندگان در آن تصمیماتی برای برقراری صلح در لبنان اتخاذ نمودند.
- در زد و خورد بین اقلیت‌های ملی ساکن فرغانه از شهرهای ازبکستان شوروی تعدادی زخمی و کشته شدند.
- در سانحه قطار در شوروی که بدنشال انفجار ریسک خط لوله گاز در محل عبور و قطار مسافربری صورت گرفت صدها نفر کشته شده و تعداد زیادی بشدت مجروح شدند.
- در کنفرانس "ایدز" در مونترال کانادا اعلام شد که تاکنون یک میلیون بیمار مبتلا به ایدز که علائم بیماری را بروز داده اند و احتمالاً لاده میلیون مبتلانه بیماری مزبور که هنوز این علائم را نشان نداده‌اند وجود دارند و سرعت گسترش این بیماری کاهش نیافته است.
- اتحادیه‌های کارگری پرتغال بدلیل عدم دیدن دستمزدها در نتیجه بدترین تورم در سه سال گذشته خواستار قرار دادهای جمعی جدید شدند.

- حزب سوسیالیست کارگران مجارستان سرگرم بررسی طرحی است که در صورت تصویب توسط اعضای حزب در طی یک فرآیند، به انتخاب دبیرکل حزب توسط بدنه آن و نه کمیته مرکزی خواهد پرداخت. این طرح بمنظور فعال کردن اعضای حزب تهیه شده است.
- آقای جیمز بیت، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا بعلت رشوه‌خواری و سوءاستفاده‌های مالی مشابه از مقام خود استعفا نمود.
- وزیر خا رسه سابق ژاپن، آقای یونه به عنوان رهبر جدید حزب حاکم لیبرال دموکرات و نخست‌وزیر جدید این کشور انتخاب شد. نخست‌وزیر قبلی، سی ژاپن بعلت رسوایی مالی کناره‌گیری نموده است.

انتخابات لهستان

انتخابات در لهستان برای تعیین نمایندگان مجلس سنا و شصت و پنج درصد از نمایندگان پارلمان این کشور "سیم" با پیروزی قاطع "همبستگی" و اپوزیسیون همراه با آن خاتمه یافت. این انتخابات پس از حصول توافق در "میزگرد" بین دولت و اپوزیسیون ممکن گشته است. برطبق توافقات مزبور، مجلس سنا با تعداد ده نماینده میتواند تلواچ "سیم" را در صورتی که آراء رانداشته باشد و تکند. بعلاوه "سیم" تعداد ۳۵ درصد از کرسی های خود را در اختیار کاندیداهای اپوزیسیون میگذارد و به مرور پس از بهبود وضع سیاسی و اقتصادی، انتخابات آزاد برپا خواهد شد. اپوزیسیون در ازای این امتیازات باید بپذیرد که در چارچوب قانون اساسی و نظام سوسیالیستی عمل کرده و در این چارچوب اتحادیه همبستگی "اژه" فعالیت خواهد داشت.

انتخاباتی که در روز ۵ ژوئن برگزار شد، نقطه آغازی برای پیشبرد سیاست فوق بود. در این انتخابات حزب متحد سوسیالیست کارگران لهستان مجبور بود شرایط بسیار سختی برای انتخاب نمایندگان خود مپا رزه کند، مشخصات اصلی این شرایط کدامند؟

الف: شکست همه جا نیه حزب در گذشته و در دور اخیر پس از بحران ۱۹۸۰ که موجب بی اعتباری همه جا نیه آن و ایجاد تردید در توده ها نسبت به توانائی حزب شده است. در یک کلام بحران اعتماد مشخصه رابطه حزب و توده های وسیع مردم لهستان است.

ب: برتری روانی اپوزیسیون ارتجاعی که با سرمایه گذاری روی شکست های دولت، سرخورداری از حمایت های مادی و معنوی امپریالیزم و تکا به روحیات مذهبی و ناسیونالیستی توده های سرزوده و سرگشته، خود را به مثابه آلترنا تید دولت سازمان داده است.

ج: عدم مکان موفقیت رفرمهای اقتصادی بدون انجام اصلاحات سیاسی که مضمون آن دخالت دادن مردم

در حیات سیاسی جامعه باشد. پیوند بین دو جبهه از فوجا بحدی است که بدون شتاب دادن به آنها نمی توان به هیچ وجه از دور باطل کنونی خارج شد. موفقیت رفرمهای اقتصادی تابع انجام رفرمهای سیاسی همه جا نیه و بالعکس میباید.

د: سرخوردگی همه جا نیه و بی تفاهتی عظیم جامعه لهستان که دوره فروپاشی همه ارزشهای گذشته خود را طی کرده و تنها اقلیت کوچکی از مردم آن حاضر به فعالیت جدی برای تغییر وضع موجود هستند. مثلا



حزب دولتی و اپوزیسیون تنها موفق به جلب ۶۲ درصد رای دهندگان به شرکت در انتخابات شدند، امی که نشان دهنده عمق بی تفاهتی توده ها میباید.

بر اساس آنچه گفته شد، اگر برای سوسیالیسم در لهستان شانسی وجود داشته باشد، تنها از طریق تجربه خود توده ها که با سنجش گفتار و کردار و عمل به برنا مه ها قضاوت خواهند نمود، می باشد. دولت لهستان با مجبور کردن اپوزیسیون به پذیرش مسئولیت و شرکت در قدرت، این امکان را فراهم میکند که دو طرف در یک فضای دموکراتیک بسر ای

برنا مه های خود برای جلب نظر مردم به این برنامها مبارزه کنند. فراموش نکنیم که اپوزیسیون حول و حوش "همبستگی" بر دویا به شکل گرفته است. شکست برنا مه ها و سیاستهای تاکتونی حزب و خواسته های بحق و عادلانه مردم بویژه کارگران، بعلاوه این اپوزیسیون اما ما را ای برنا مه ای بجز احیای سرمایه داری در لهستان نیست، گرچه این هدف به علت وفاداری اکثریت مردم بویژه کارگران به آلمان سوسیالیسم، از سوی همه بخشهای اپوزیسیون به صراحت عنوان نمی شود.

نکته مهم دیگری که باید بررسی شود این است که در شرایط کنونی امکان احیای دموکراسی شورائی در لهستان وجود ندارد، زیرا بحران اعتماد و بحران آلترنا تید برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه آنچنان عمیق است که نمی توان در میان مردم اکثریت بزرگی را که طرفدار دموکراسی شورائی باشند یافت. در واقع در لهستان برای هیچ برنا مه اشباتی یک اکثریت بزرگ وجود ندارد. اکثریت مردم تنها در تجربه منفی کنونی اتفاق نظر دارند و معلوم نیست که در آینده لزوماً از "همبستگی" دفاع کنند و یا از دولت کنونی. بنا بر این اگر بی تفاهتی سیاسی را بعنوان عنصر اصلی در میدان دادن به جنبه های جهالت آمیز و عقب مانده دمکراسی بشمار آوریم، باید گفت که دمکراسی کنونی در لهستان اما سا برخواستن ها و نداشتن ها تکا به دا ردوا ز این روتا تغییر این جنبه از آن و چربش وجوه اشباتی و آگاهانه آن، نمیتوان سخنی از شوها به میان آورد. اگر کمونیستهای لهستان موفق شوند که به بحران بی شکل کنونی خاتمه داده و صف آرائی های روشن را در قبال برنا مه ها و احزاب آنها ایجاد کنند، اگر آنها بتوانند اعتماد زحمتکشان را نسبت به خود احیا کنند و اگر آنها بتوانند ماهیت ضد کارگری رهبران و برنا مه های "همبستگی" را در پرا تیک در مقابل توده ها افشاء کنند، آنگاه میتوان گفت که دمکراسی نیم بند کنونی، گامی برای احیای دموکراسی شورائی و باز سازی سوسیالیسم در لهستان می باشد.

آرژانتین

بدنبال افزایش قابل ملاحظه قیمت مواد غذایی که به تومیه صندوق بین المللی پول صورت گرفته است، شورهای وسیعی در این کشور بوقوع پیوست. اهالی خشمگین پایتخت آرژانتین به غارت مغازه ها پرداخته و با پلیس فدشورش به زدوخورد پرداختند. در جریان این زدوخوردها تعدادی کشته و زخمی و تعداد بسیاری دستگیر شدند. نیروهای دولتی ضمن سرکوب شورش فقر و زحمتکشان به دفاع سر احزاب چپ حمله برده و پاره های از رهبران این احزاب را دستگیر نمودند.

با پیام کارگر همکاری کنید!



بلغارستان

رهبری حزب کمونیست بلغارستان در بلنومی که بدلیل اختلاف نظرها حول میزان فاصله گرفتن از مالکیت جمعی و کشا ورزی مدتها بتعویق افتاده بود، تغییراتی را در مالکیت زمین و خرید کردن مسازع بزرگ پذیرفت. برطبق این رفرم خانواده ها و افراد میتوانند قطعه زمین هائی را برای ۵ تا ۵۰ سال اجاره کنند، این ایده ایست که اخیرا از طرف رهبری شوروی عنوان شده است.

ژیکوف رهبر ۷۹ ساله حزب که قدیمی ترین رهبر کشورهای سوسیالیستی اروپا است تا کیسند میکند که رفرمها نیا ید منجر به انحلال مالکیت سوسیالیستی شود.



گشتندا ما قانونی

روزتبادل فرهنگ دربن

علی کهنه پوئی پناهنده ایرانی که چندی پیش از طریق فرودگاه فرانکفورت، خود را به آلمان غربی رسانده و تقاضای پناهنده‌گی کرده بود، روز ۸۹/۵/۱۹ هنگام انتقال به بیمارستان جان سپرد.

او که بیماری قلبی داشت، از همان ساعات اولیه ورود به فرودگاه، توسط دوستان همراهش به پلیس مرزی فرودگاه به عنوان بیمار قلبی معرفی میگردید تا هر چه زود تر به وضع اورسیدگی نمایشند. اما شرایط بد محلی که در فرودگاه پناهندگان را نگهداری میکنند، آخرین فشارها را بر قلب رنجور او وارد میکند. پس از ۴ روز بدون توجه به وضعیت بیمار، او و دوستانش را به خوابگاه‌های در HANAU میفرستند. شب در دجا نکاهی جان علی را در خود می بلعد. دوستانش نزد مسئول خوابگاه میروند و از آنجا شیکه زبان هم بلند میگویند. سعی میکنند موضوع را به او بفهمانند، اما مسئول خوابگاه بی پروا ویی توجه میماند و حتی به آنها اجازه تلفن کردن به خارج از خوابگاه نمیدهد. صبح ساعت ۶ پس از اینکه دردهای جانکاه آخرین رقیهای علی را از او گرفته بود، مسئول خوابگاه او را توسط تاکسی روانه بیمارستان میکند. اما دیگر بسیار دیر شده بود و علی کهنه پوئی متقاضی پناهنده‌گی از دولت آلمان در مهرداد تمدن بوروزی کا ملاقاتی نونی گشته میشود.

علاقتمند بودند که نظرات شرکت کنندگان را راجع به چگونگی این برنامه و شعارها جویا گردند که از جمله یک یونانی اظهار داشت: "وقتی که مردم آلمان ضد خارجی هستند چگونه میتوان انتظار تبادل فرهنگی از آنها داشت. بهتر است ابتدا افکار ضد خارجی را از کله آنها بیرون کرد و بعد صحبت از تبادل فرهنگی نمود. یک هنر پیشه ترک نیز نسبت به تعداد کم شرکت کنندگان آلمانی اثار کرده و نسبت به مشکلات کاری خود در محیط با آلمانها توفیحاتی داد. برگزار کنندگان برنامه، گزارشی از وضعیت پناهندگان در ترکیه و پاکستان ارائه داده و خواهان اجازت سفر به آلمان برای آنها شدند. یکی از شرکت کنندگان به حزب سبزها نسبت به اقدامات اندکی که برای نجات زنان زندانی از جمله از زندانی سیاسی ایران که زیرا عدم قرار دارند، انجام میدهند، اعتراض کرد.

رفقای ما فعالان در این برنامه شرکت کرده و با بخش اعلامیه، فروش نشریات بزبان آلمانی و انگلیسی، دست به افشاکاری علیه رژیم جمهوری اسلامی زدند.

معرفی نشریه

"ایران، مبارزه" نام نشریه انگلیسی زبان انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا است که ماهیانه منتشر میشود. همچنین این انجمن جزوای بنام اول ماهه حاوی دو مقاله ترجمه شده از نشریات فلسطین دمکراتیک و "پروزی" (مربوط به جنبه خلق برای آزادی فلسطین و جنبه فارا بوند و ماتری) نیز منتشر کرده است.

منتشر شده است:

RAHE KARGAR

Herausgeber: Organisation revolutionärer Arbeiter (Rohr) Stuttgart
Zustellendort: Stuttgart

Deutsche Ausgabe: Mai 1989/Number 3 30 Pf

**IDENTITÄTSKRITIK
DES REVOLUTIONS-
WÄCHTERCORPS**

**STAAT PALÄSTINA
IM EXIL**

این شماره نشریه آلمانی راه کارگر برابری - المللی که تاریخ ماه مه ۱۹۸۹ را در ادراغی مقالاتی دربار بحران هویت در سپاهیان، نمایش غنای عمومی زندانیان سیاسی در ایران، دولت تبعیدی فلسطین و اخباری در مورد ایران است. گزیده ای از اعلامیه مشترک سازمان ما و دو سازمان دیگر مورد زندانیان سیاسی و تراکت منتشره از جانب کمیته خارج سازمان ما در مورد اول ماه مه از دیگر مطالب این شماره هستند.

مدتی است که حزب سبزها در آلمان فدرال در شهرین برنامه‌های بنام Multikulturell-gesellschaft برگزار میکنند که هدف آن تبادل فرهنگ بین ملیتهای مختلف و بحث و گفتگو پیرامون مساله‌های خارجی و پناهندگان در آلمان فدرال است. آخرین برنامه از این نوع روز چهارشنبه ۳۱ ماه مه در شهرین برگزار گردید. بدعوت سبزها، تعدادی از نویسندگان، نقاشان، هنرپیشه‌ها، خبرنگاران و موسیقیدانان سا بیهرمندان از ملیتهای مختلف در این برنامه شرکت کردند. برنامه از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۳ شب طول کشید و در این میان مسئول برنامه که نماینده سبزها در پارلمان آلمان بود راجع به ۴ ماده از لایحه‌ای که این حزب به پارلمان پیشنهاد کرده است، توفیحاتی داد که عبارت بودند از:

- ۱ - حق انتخاب برای خارجیها،
 - ۲ - حق اقامت
 - ۳ - حق مستمری برای خارجیها
 - ۴ - پذیرش خارجیها بعنوان هموطن و دوری سپورت آلمانی برای آنها.
- تعداد آلمانیهایی شرکت کننده در برنامه کم بود و هنرمندانی از کشورهای ترکیه، ایتالیا، یونان، هندو آمریکا لاتین حضور داشتند. برگزار کنندگان

حمله فاشیستها به خوابگاه پناهندگان

یک خوابگاه پناهنده‌گی واقع در شهر مونتسترکه جزو ایالت هسن در بخش دارمشتات - دیبورگ است، نیمه شب ۲۶ آوریل مورد حمله تعدادی از عواکسل باندهای سیاه و فاشیستی قرار گرفت. در ایسسن خوابگاه چهل پناهنده از کشورهای شیلی آفریقای و ترکیه و... سکونت دارند. آنها ابتدا اطاق یک خانواده شیلیایی را مورد حمله قرار دادند و با سوراخ کردن در اطاق بوسیله ضربه، گاز اشک آور و با خسل آن بخش می کنند. خانواده شیلیایی همگی بدلیل سروصدای رعب آورنده شیمتیا و گاز اشک آورکا ملاشوک میشوند. پناهندگان دیگر فورا به پلیس خبر میدهند، اما پلیس زمانی میرسد که متجاوزین نزاد بر سر متواری شده بودند. پس از رفتن پلیس آنها دوباره برگشته و ایندفعه از بیرون خوابگاه به پنجره اطاق یک پناهنده ترک که در طبقه دوم ساختمان است، گاز اشک آور پرتاب میکنند. این دفعه نیز قبل از آمدن پلیس آنها فرار میکنند. پلیس که هردو بار با تاخیر و بی مسئولیتی به محل حادثه آمده بود بجای تعقیب متجاوزین به یاد داشت اسامی پناهندگان و پیرس وجو از آنها برداخته و اظهار کرده است که حادثه مربوط به دعوی خود شماست!

فردای آن روز یعنی شب ۲۷ آوریل نیز سبز پناهنده ای از همان خوابگاه در یکی از مراکز تفریحی شهر با بطری مورد حمله قرار گرفته و مجروح گردید. اگرچه زین بعد از حادثه نماینده ای از حقوق بشرواداره امور اجتماعی به خوابگاه آمده و بسا پناهندگان ملاقات کردند، اما اقدامی جدی در تامين امنیت جانی و آسایش روحی آنان صورت نگرفته است.

به همین دلیل تعدادی از ایرانیان تحت نام "کمیته برگزاری تحسن" در اعتراض به عدم رسیدگی بموقع به وضعیت بیماری علی کهنه پوئی که منجر به مرگ وی گردید از روز دوشنبه ۲۹ ماه مه تا پنجشنبه اول ژوئن در محل شهرداری فرانکفورت، دفتر سبزها تحسن گردند و روز آخر کنفرانس مطبوعاتی پیرامون حق پناهنده‌گی سیاسی، حق انسانی ترشیب دادند. خیر این آکسیون از رادیو تلویزیون و برخی رسانه‌های دیگر منتشر گردید.

گرد همای علی نه نژاد پرستی

یکشنبه چهاردهم ماه مه تعدادی از سوئی‌ها مترقی و جمعی از مهاجرین از ملیتهای گوناگون گرد هم آمده و پیرامون مبارزه علیه راسیسم (نژاد پرستی) و تبعیض نژادی و جنسی صحبت کردند و هر کدا فرهنگ و فلکلور ملی خود را به نمایش گذاردند. کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران مالمو و انجمن فرهنگی ایرانیان - لوما جزو شرکت کنندگان در این گرد همایی بودند. یکی از پناهندگان ایرانی فعال در امور مبارزه با تبعیض ضمن خواندن منشور حقوق بشر سازمان ملل به توضیح و تشریح تک تک مواد آن پرداخت و نشان داد که چگونه این منشور توسط جمهوری اسلامی - جنایتکارانه زیر پا گذاشته میشود. رفقای ما در این گرد همایی با بیانی غنی و آثار جنایات رژیم تبعیضکار جمهوری اسلامی، در تلاش و همبستگی با سایر ملل و مهاجرین نسبت به نژاد پرستی، تبعیض نژادی و جنسی ایران از نژاد و نژادت گرفتند.

اعتیاد در آلمان

نگاهی گذرا به کمپروهای ونا هنجاریهای اجتماعی در کشورهای سرمایه‌داری آلمان غربی و برلین غربی

دوم دسامبر سال ۱۹۸۵، ساعت ۴ بعد از ظهر، جسد جوان بیست و یکساله‌ای بنا به آلمکاندر، در توالت یکی از رستوران‌های پررفت و آمد فرانکفورت پیدا شد. مدیر رستوران سراسیمه پلیس را به کمک طلبید. مشتریان در حال رفت و آمد بودند، که برانکار، حامل جسد آلمکاندر از رستوران به پزشکی قانونی انتقال یافت. پلیس در مورد این سی و یکمین جسد پیدا شده در توالت رستوران‌ها و ایستگاه‌های قطار و بنا به‌های تلفن در طول سال ۱۹۸۵، بی‌گونه گزارش می‌دهد:

"چشم‌انداز بسته بود، قرنیه‌اش به کبوتر گرانیده اعتیاد درخ داده است که بی‌تردید در سال ۱۹۸۸ رو به تزاید داشته است." وزارت کشور آلمان غربی و برلین غربی و نیز پلیس این کشور، که در مدیالائی از آنها در زمره نشوفا شیطانی این کشور هستند، تلاش می‌کنند گسترش اعتیاد و نوزیبا مدهای ناشی از آن را به گردن خاریان بی‌اندازند. آنها آگاهانه و برای دامن زدن به جو نشوفا شیطانی و فساد خارجی در این کشور و نیز ایجاد محدودیت‌هایی برای ورود و زیاده‌اندگی خارجی و پناهندگان سیاسی ادعا می‌کنند که:

"راه ورود مواد مخدر به آلمان غربی و برلین غربی از خارج از این کشور، بویژه از طریق ترک‌ها و یوگسلاوها و خارجی‌ها دیگر است. در راه با فروش جزای این مواد نیز علاوه بر ترک‌ها و یوگسلاوها پناهندگان سیاسی آفریقای، بویژه غنائی نقش اساسی ایفا می‌کنند."

وزارت کشور و پلیس آلمان غربی و برلین غربی ورود مواد مخدر از هلند را هم، که خرید و فروش مواد مخدر در آنجا با مانعی جدی روبرو نیست - اخیراً بعنوان گذرگاهی مهم طرح کرده‌اند. مسئولین این وزارت خانه هرگز گاهی فیلم‌ها و مقالات متعددی در رابطه با کشف مواد مخدر از خارجی‌ها، بویژه سیاهان آفریقای، نشان می‌دهند، و تلاش می‌کنند تا آنرا عوامل اصلی پیدایش و گسترش اعتیاد در آلمان غربی و برلین غربی معرفی کنند. اما آنچه که بارها طرح و افشا شده، این واقعیت است که با ندهای بزرگ "مانیائی" و "گانگستری" فراملیتی قاچاق مواد مخدر، که بسیاری از دولت‌مردان ثروتمند، فرماندهان پلیس و دیپلمات‌های آلمان غربی و برلین غربی و سایر کشورهای اروپائی گرداننده‌های آن با ندها هستند و با حداقل سردر آخور آنها دارند، عوامل اصلی ورود مواد مخدر و پیدایش و گسترش اعتیاد هستند.

نکته‌ای که در رابطه با ممالی اعتبار در این کشور قابل توجه است اینست که اکثر معتادین به مواد مخدر از میان نوجوانان هستند. اکثر آنها از دوران دبیرستان با سیگار و بعد حشیش و علف آغامی‌کنند.

بودا ما مردمک‌ها انداز طبیعی داشته‌اند. دندان‌ها پشت یکدیگر قرار داشته و زبان در پشت دندان‌ها قرار داشت...

این نه فقط سرنوشت "آلمکاندار"ی زیبا و جوان، بلکه فقط در سال ۱۹۸۲ سرنوشت ۴۵۰ تن از شهروندان آلمان غربی و برلین غربی بود که اکثر آنها هم سن و سال آلمکاندار بودند. سرنوشت شومی که هر سال بیش از پیش گریبانگیر جوانان این کشور است. در گزارش‌های دیویتی و تلویزیونی مورخه ۴ ژوئن ۱۹۸۹، با اکتفا به گفته‌های منابع موثق اعلام می‌شود که به میزان مرگ و میر ناشی از اعتیاد به مواد مخدر در آلمان غربی و برلین غربی ۵۰ درصد افزوده شده است! منابع دولتی علت افزایش مرگ و میر را، افزایش تعداد معتادان و نیز تاخالی مواد مورد استفاده می‌دانند. مواد ناخالصی که قاچاقچیان برای استفاده مالی بیشتر به مواد مخدر اضافه می‌کنند!

کتابهای آمار معتادین در آلمان غربی و برلین غربی (منتشر شده در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹) مینویسد:

"از میزان دقیق تعداد معتادان در آلمان غربی و برلین غربی آمار دقیقی در دست نداریم، چرا که بسیاری از معتادین که توانائی تأمین مواد مخدر مورد نیاز خود را در رندومیتوانند سرپا بیاورند، خود را به مراجع قانونی معرفی نمی‌کنند و ما از تعداد آنها، که بسیار زیاد هستند، بی‌اطلاع هستیم. اما آنچه برای ما روشن است، اینست که در سال ۱۹۸۲ ما رقمی بین ۶۰ تا ۹۰ هزار معتاد به هر دوین و ۲۵۰ هزار معتاد به مواد افیونی دیگر مثل حشیش، علف، ماری‌جوانا و... ۲۰۰ تا ۱/۲ میلیون نفر معتاد به الکل و ۱/۵ میلیون نفر معتاد به داروهای خواب‌آور و آرامبخش، داشتیم. این ارقام فقط ارقام ثبت شده هستند، و الا ما نگویند که گفته شد تعداد معتادین فرا ترا ز اینها هستند!"*

در همین کتاب آمده است که:

"فقط در سال ۱۹۸۲، ۷۵۰۰۰۰ فقره جنایت بدلیل سیزده سالگی برای اکثر معتادین این دیار آغاز روی آوردن به مواد مخدر است. پلیس آلمان غربی و برلین غربی علاوه بر تاخید این امر، بر این نکته نیز انگشت نهاده که محل‌های تجمع و تفریح جوانان، از مراکز خرید و فروش مواد مخدر و استعمال این مواد است، و در این رابطه از دیسکوتک‌ها و سایر مکان‌هایی که جوانان در آنجا وقت می‌گذرانند و نیز محل‌های بازی کامپیوتری و... نام می‌برد. حتی می‌توان دیدن ورزشی در این کشور نیز از یورش مواد مخدر نمودن نشانده و گفته می‌شود که بسیاری از تماشاچیان حرفه‌ای رشته‌های ورزشی مختلف، بویژه فوتبال، از زمره جوانان معتاد به مواد مخدر، بویژه معتاد به مشروبات الکلی، هستند. نه تنها در رابطه با اعتبار، حتی در رابطه با فروش مواد مخدر نیز

جوانان آلمان غربی و برلین غربی نقش زیسادی ایفا می‌کنند، آنگونه که به گفته پلیس:

"در مدیالائی از زندان‌هایی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر زندانی شده‌اند از میان جوانان هستند." دولت آلمان غربی نه فقط در رابطه با خرید و فروش مواد مخدر، حتی در رابطه با معتادین به مواد مخدر، که جوانان بالاترین درصد آنها را تشکیل می‌دهند، نیز مجازات‌هایی در نظر گرفته است!

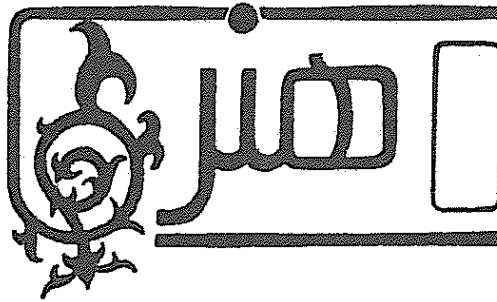
"در سال ۱۹۸۱ از ۲۳۹۰۶۴ نفر معتاد دستگیر شده، ۵۴/۷ درصد محکوم به زندان، ۳۰/۹ درصد پرداخت جریمه نقدی، ۱۰/۸ درصد راهی مراکز تربیتی و آموزشی و ۲ درصد مورد عقوبت تیره قرار گرفتند."

دولت آلمان غربی، پس از سال ۱۹۸۱ تلاش نمود که وانمود کند، معتادان را تنها تحت درمان و آموزش قرار خواهد داد اما علیرغم این ظاهرازی، هنوز بسیاری از آنان را راهی زندان می‌کنند. هر از گاهی نیز پلیس با یورش به مراکز تجمع و زندگی آنها که مدتها ایستگاه‌های راه آهن، توالتهای عمومی، باجه‌های تلفن و توالت رستوران‌های پررفت و آمد... است، گروهی از آنان را برای درمان و آموزش به سوی زندان‌ها می‌فرستد!! پلیس آلمان غربی و برلین غربی ضمن کنترل شدید ایستگاه‌های اصلی راه آهن، توالتهای عمومی و باجه‌های تلفن، برای جلوگیری از تجمع و وقت‌گذرانی معتادان و نیز خرید و فروش مواد مخدر از صاحبان و مدیران رستورانها و سینماها و دیگر مراکز پررفت و آمد خواسته است، تا مانع ورود معتادان به توالتهای این مراکز شوند، توالتهای که در سال‌ها ده‌ها پیکربجان نوجوانان و جوانان و زنان و مردان معتاد آلمانی از آنها بیرون کشیده می‌شود.

دولت آلمان غربی، بویژه وزارت کشور، در رابطه با پیدایش و گسترش اعتیاد و نیز گسترش اعتبار دوزخ فروش مواد مخدر، آگاهانه بر علل اساسی بروز این ناهنجاریها چشم می‌بندد و در راستای پیشبرد سیاستهای فدا نمانی خود، به فا کشورها فرعی و غیر اساسی اشاره کرده و آنان را محور تبلیغات خود قرار می‌دهد. مسئولین مملکتی در آلمان غربی و برلین غربی، بجای طرح این مماله که بیگاری، فقر، پنهان‌نا، ناهنجاریهای اخلاقی و فرهنگی (که سمت و سوی انحطاط اخلاقی و فرهنگی بخود گرفته) و... را علل پیدایش و گسترش روزافزون اعتبار دوزخ فروش مواد مخدر می‌کنند، و نیز بجای دستگیری بهره‌ساز اصلی واردکننده مواد مخدر، که خود نیز سردر آخور آنها دارند، مماله خارجی‌ها و پناهندگان سیاسی را، بد عنوان عوامل اصلی واردکننده مواد مخدر و نیز خرید و فروش آنها و نتیجتاً پیدایش و گسترش اعتبار طرح کرده و بر آن دامن می‌زنند!

این نوع برخورد و نگرش‌های "نشوفا شیطانی" هر روز دامن گسترده‌تری در آلمان غربی و برلین غربی بخود می‌گیرد. تلاشهای مذبحانهای که به هر شکل ممکن می‌خواهد بر کتافات چنین جوانی سرپوش گذارد.

معرفی یک نویسنده



ادبیات مترقی در سوئد

سوئد یک دموکراسی در شمال اروپا است. شانس را داشته است که در دورانی به حکومت رسید که سرمایه داری یک دوره رونق گسترده را تجربه میکرد و در نتیجه تحت حکومت سوئد دموکراتها رفرمهای وسیعی صورت پذیرفت که خود بهترین وسیله پرده پوشی آن نقش خیاالت باوری بود که سوئد دموکراسی در اروپا برای جلوگیری از درهم شکستن سرمایه داری و به قدرت رسیدن کارگران ایفا کرد. سوئد دموکراتها در اسکاندیناوی و بیویژه در سوئد سربازان زمین و به کمک فاکتورهای ویژه تاریخی، اجتماعی و اقتصادی توانستند دست به رفرمهای وسیعی بزنند که در مجموع سطح زندگی کارگران را در استانها و در مناطق عقب مانده نگاه داشته است. اما آیا کارگران در این شرایط که برای بسیاری از کشورهای سرمایه داری مطلوب ترین شرایط و عالیترین سطح رفاه در سرمایه داری بحساب می آید، زندگی راحتی دارند؟ بسیاری از کارگران که نه سال سوئدی که خود درگیر مبارزات کارگری و بیویژه برپای اتحادیه های وسیع کارگری در دهه های اول قرن بیستم بودند به سوئد دموکراسی به مثابه جا دوگر مکاری مینگرند که نمیشود آن سرد آورد که چگونه توانست آنچه را که آنها با خون دل ورنج و مشقت در مقابل و علیه سرمایه داران بنیان گذارند، بتدریج به سازمانهای بی خونی درگنا سازمانهای بورژوازی و بهره قدرت سرمایه داران تبدیل کند. و بسیاری از نویسندگان سوئدی این احساس کارگران را در نثر و نولهایی کوچک و بزرگ خود منعکس کردند. ادبیات دهه های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ سوئد شامل یک دسته از نویسندگان است که نویسندگان کارگری خوانده میشوند، نویسندگانی که بهترین تصویر را از چگونگی اشکاف گسترش سرمایه داری در زندگی زحمتکشسان ارائه داده اند. رفرمهای سوئد دموکراتیک پایان حیات این مکتب ادبیات سوئد بود و چندی طول کشید تا روندهای عمقی ناظر بر روابط طبقاتی خود را در زندگی روزمره کارگران ظاهر کند و کارگران با گوشت و پوست و خون خود آرا حساس کنند. اما این در شرایطی بود که کارگران بکلی سلاح اصلی مبارزه طبقاتی، یعنی سازمانهای رزمنده خود را از دست داده اند و ملاتحت نفوذ فرهنگ سرمایه داران در آمدند. در این دوره یعنی از نیمه دوم دهه پنجاه به بعد گروهی از روشنفکران مدرن به بیانگران برخی روندهای عمقی متناظر برجامه طبقاتی در مراحل پیشرفته سرمایه داری تبدیل شدند. امری که در تمام جوامع سرمایه دارو پیشرفته قابل مشاهده است. البته لازم به تذکر است که به علت زوال تدریجی احزاب انقلابی پرولتری دیگر نسه

مبارزه طبقاتی بلکه تلاش برای دستیابی به درک جدیدی از انسان و گسترش مستقل شخصیت انسان اغلب انگیزه اساسی این روشنفکران است. Göran Palm از نویسندگان این دوره و متعلق به گروه اخیر روشنفکران است. او در ۱۹۳۳ متولد شده است و کارهای ادبی خود را با ارائه چند مجموعه غزل آغاز کرد. او با توصیف زندگی روزمره انسانهای عادی در مجموعه غزلهاش از قبیل (ملاقات با سگ - ۱۹۶۱)، (جهان به تومینگرد - ۱۹۶۴)، تلاش کسب تصویر گروا جمعیت با شادوبه غزل مدرن انگیزه ای برای انطباق با زندگی امروزی دهد. او علاقه به واقعیت را پس با روی آوری به نقد و تحلیل مستقیم از جامعه ادا نموده است. "یک ملاحظه غیر عادی" اولین اثر او از این دست است که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد. اثر حاوی بررسی شرایط جوامع عقب افتاده و رابطه آن با کشورهای پیشرفته جهان است. او در این اثر نشان داده که چگونه "جهان غرب طی صدها سال جهان سوم را پوشیده و آنرا در نا توانی، فقر و وابستگی" نگاه داشته است. بسیاری از آنها با فرهنگ والای خود قریب زایه جلوگیری را نندند، اما در مقابل آنچه غرب برای آنها به ارمغان آورد "ترور، غارت، تحقیر" بود. او در مورد عنوان کتاب نوشت:

"ملاحظاتی که بخوا هدیه است به جهان سوم عا دلانه باشد، نسبت به جهان غرب غیر عادی است، بدین جهت آنها را غیر عادی دلانه میخوانم که ما را از آن بهره ای حاصل نخواهد شد. چنین ملاحظاتی نزد ما شروتمندان معمول نیست، با وجود این امروز به یک ضرورت تبدیل شده است."

او در رانتهای این اثر خود سوالی را پیشتر می نهاده حتی برای امروز نیز صادق است:

"تاکی این وضع میتواند ادامه داده شده باشد، پیش از آنکه جهان منفجر شود؟ آیا آمریکا و اروپا چرخ نیکیبختی خود را که دیگر سرا سر جهان در می نوردند، بدین سرعت آنقدر نخواهند چرخانید تا با خونت باز داشته شود؟"

اثر انتقادی دیگر او، "القاء ایدئولوژی در سوئد - ۱۹۶۸" بدان اختصاص یافته است که نشان میدهد چگونه سوئدی ها "با یک چشم به جهان مینگردند چگونه افکار عمومی یک جانبه "پرورش داده میشود". پال نشان میدهد که چگونه "اطلاعاتی که ما از طریق خبرگزاریها، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون و مدارس دریافت میکنیم یکجا شبهه و در جهت منافع غرب تنظیم شده است. اطلاعات مربوط به بلوک شرق و جهان سوم بخشا محدود و محصور است، و بیخاسته بیخاسته جهان غرب صورت بندی میشود. بدین طریق - بدون آنکه کسی

بدانسیم - در درون ما از شپای غربی جای داده میشود." این کتاب چنان مورد توجه قرار گرفت که لغت القاء ایدئولوژی indoktrinering در پایان دهه شصت به مدروزی تبدیل شد. او در عین حال به سرودن غزلها ادامه میدهد و غزلهای او پیش از پیش به مقامین شو، به اشکاف شادوهای واقعی جامعه مسائل آموزش، برابری، عدالت، نابرابری زبان و نیز به مسائل موجود در جهان خارج از سوئد اختصاص می یافت. میتوان از مجموعه های (چه میتوان کرد - ۱۹۶۹)، (چرا شبها نامی ندا رند - ۱۹۷۱)، (سوئد، یک قصه زمستانی - ۱۹۸۴) اونا مبرد.

وفا داری او به اشکاف عین واقعیت، واقعیت او را به یک تجربه ادبی نوگشا تبدیل و دو سال در کارخانه IMBriksson بعنوان یک کارگر ساده به کسار مشغول شد، بدون آنکه خود را به کارگران معرفی کند. علیرغم این او میداند که در این کارخانه به یک میهمان است و تجربه او با کارگرانی که همه عمر را محکومند در آن شرایط کارکنند متفاوت است. به علاوه او دارای پیشداوریها بی بود. پس تلاش کرد عینیت را ببیند و مستقل قضاوت کند. دو اشکاف او "یک سال در کارخانه IM - ۱۹۷۲" و "ملاحظات نهائی در مورد IM" حاصل این تجربه است. در امتزاج با واقعیت در کارخانه بوده که او ساعات کارگر سوئدی را در جامعه ای که سوئد دموکراتها ساخته اند چنین یافت:

"زمان کار، کشتن ساعات زندگی است. دقیقه به دقیقه، روز بروز، سال به سال ..."

در تلاش به دستیابی مستقل به حقیقت بود که او دریافت:

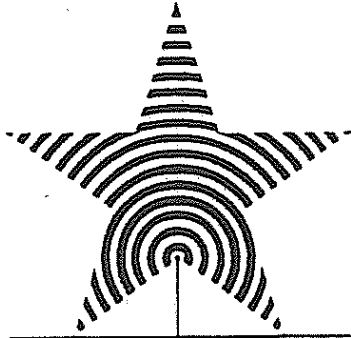
"مستخدمن را به اداره کارها بگما رید، برای من بسیا رخوا هدیدو که انکارکنند آنها از مدیران کشوری در اداره کارها مثلادر تقسیم کار در کارخانه تنظیم دستمزدها، بهداشت و تصمیم گیری های موفق تر خوا هندی بود."

قطعه زیر از کتاب "ملاحظات نهائی" توسط رفیق شهزاد از سوئد ترجمه شده است.

"ساعت کار در کارخانه"
Göran Palm از

... ساعات کار در کارخانه ریگمون برای همه یکسان نیست. روسا وقت آزاد خودشان را دارند، کارمندان معمولی هم اوقات کار مربوط به خودشان را، کارگران بخت کوچک زودتر از کارگران بخش بزرگ کار میزنند و آنها بنویسند زودتر از هر کسی که در قسمت اداری کار کند، زودتر از همه و بدتر از همه کارگران شیفتی کار میزنند. بیست و پنج دقیقه شیفت کار آنها صبح شروع میشود یا شب ...

اما پیش از هر چیز باید گفت تا غلین بسته بند سطح شغلی خود که در کارخانه کار میکند به ملاطفه بندی شده است، احساس متفاوتی از ساعات کار خود را در بدن خودم وقتی در خانه می نشینم می نویسم غالباً احساس میکنم زمان خیلی به سرعت میگذرد. بندرت به ساعت نگاه میکنم زیرا کارمرا در خود غرق میکند. اما زمانی که به ساعت نگاه میکنم از روزی که ساعت صورت بندی میشود، بدین طریق - بدون آنکه کسی



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متربرابر با ۲ مگاهرتز پخش میشود. این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.

جمعه های برنامه ویژه پخش میشود.

برنامه های صدای کارگرویزه کردستان:

۶ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.

جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه

پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود.



رژیم در تدارک قتل عام دیگری در زندانهاست از جان زندانیان سیاسی دفاع کنید!

کارگران و زحمتکشان! مردم آزاده ایران!

با هر ضربه کاری که به رژیم اسلامی وارد می آید، جلادان حاکم در وحشت فروپاشی قریبالوقوع حاکمیتشان، به انتقامی سفاکانه و خونین از زندانیان سیاسی دست میزنند. طبق اخبار دریافتی، از جندی بیش که روند بیماری شدید خمینی، مرگ نوری وی را برای حکومتیان قطعیت داده بود، شیر زنان زندانی را به سلولهای انفرادی انتقال داده و برای وادار کردنشان به "توبه و تعیین تکلیف نهایی" شکنجههای وحشیانه علیه آنان را افزایش دادند. و نیز بسیاری از زندانیان سیاسی را که طی چند سال اخیر، آزاد شده بودند، مجددا دستگیر کرده و به سلاخ خانه های فقهاتی کشاندند. همچنین خانوادههایی که در روز سیزدهم خرداد، برای ملاقات زندانیان سیاسی مرد، به زندان اوین و برخی زندانهای دیگر مراجعه کردهاند، با ممنوعیت ملاقات روبرو شدند. دژخیمان در پاسخ خانوادهها که تعیین روز ملاقات را خواستند، آنها را به آینده نا معلوم موکول نمودند. علاوه بر این، "دایی جلیل" یکی از سر شکنجه گران اصلی رژیم در اوین، اظهار داشته که تا پایان خرداد ماه، تکلیف همه زندانیان سیاسی تعیین خواهد شد؛ آنان که توبه میکنند و مشمول عفو قرار میگیرند، آزاد میشوند، و آنان که اعلامی اند، اعدام خواهند شد.

این روند و این سخنان دژخیم هار اوین، درست به روندی که به قتل عام هولناک فرزندان دلاور شما طی چند ماه اخیر در زندانهای سراسر کشور انجامید و نیز به اظهارات انصاری، رئیس سازمان زندانهای کشور در شهریور ماه گذشته، میباند. انصاری جلاد نیز در شهریور ماه گذشته، طی صحبتی با مطبوعات رژیم، همین عبارات جنون آمیز و فاشیستی ای را که امروز "دایی جلیل" اعلام میکند، اظهار داشت و بلافاصله، جوی خون فرزندان اسیر شما در زندانهای سراسر کشور جاری شد. آنها تمام رژیم، شکست خورده در اهداف پان اسلامیستی اش در جنگ، به انتقام از شما و پیش از همه از فرزندان دلاور و بیذماتان در زندانها روی آورد، و اینک نیز در جریان شدت یابی بیماری خمینی و مرگ او، با از دست دادن تیرک خیمه جمهوری فقا، انتقام خونین دیگری را از زندانیان سیاسی تدارک میبیند؛ تا آن تعداد از اسرای انقلابی را که در قتل عام اخیر، اعدام نشدند، از دم تیغ بگذرانند. رژیم، بیمناک از آینده خود وحشتزده از احتمال خیزش سراسری تودهها، کوشید پیشروان طبیعی جنبش انقلابی را قتل عام کند، و اینک نیز در وحشت انفجار گریزناپذیر سراسری میگوید، سراسیمه به سنگر پیداف فرزندان در بند شما بیوش برد و حمام خون دیگری در زندانها به راه اندازد.

مردم آزاده ایران!

تا این رژیم، برجاست، فریاد حق طلبی زندانیان سیاسی که فریاد آزادی خواهی شماست، با سرب داغ و طناب دار در گروی خونین فرزندان دلاور در بندتان گره میخورد. مرگ خمینی، به مرگ رژیم اسلامی تبدیل نمیشود، مگر آنکه در این جنگ سرنوشت و این موقعیت حساس، با تمام نیروی انباشته در کینه و خشم سالیان، متحد و یکپارچه، رویاروی تاجم وحشیانه و سراسری کرگ هار و زخمی رژیم اسلامی برخیزید. تاجم رژیم اسلامی به شما، همچون تمامی دورههای حساس گذشته، از تاجم خونین به سنگر پیداف زندانیان سیاسی آغاز میشود، و دفاع شما از زندگی و هستی خود و مبارزه تان برای سرنوشتی رژیم اسلامی، قطعاً در گام نخست در دفاع متحد و سراسری از زندانیان سیاسی و رویارویی با تاجم خونین جلادان فقیه به زندانهای سیاسیست. تیرک خیمه رژیم اسلامی با مرگ خمینی، درهم شکسته شده است. با دفاع از جان زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی پیشروان پاکباخته جنبش انقلابی تودههای زمان، فرو ریختن کامل این خیمه سیاه را هر چه نزدیک تر سازید.

دبیر خانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۱۴ خرداد ۶۸

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید یا تکی پرداخت و با وجه نقد به آدرس زیر ارسال نماشید.

Table with 4 columns: Name of subscriber, Duration of subscription, Amount in Mark, and Country. Includes rows for 'Peyman-e Karagar' and 'Peyman-e Karagar' with subscription options for 1 month and 1 year.

شماره حساب بانکی: آدرس:

Postfach 650226 1 BERLIN 65

H. Soltanzadeh Deutsche Bank Berlin Bankleitzahl - 10070000 - Konto-Nr: 5208533

ALIZADI B.P.195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!